

گزارش کپسولی

«هوش برتر»

فینالیست‌هایش را شناخت

<p>📺 مسابقه «هوش برتر»- یکی از مسابقه‌های پرمخاطب شبکه نسیم است که به</p>	<p>گروه رسانه</p>
---	-------------------

دلیل ویژگی که دارد، توانسته مورد توجه مخاطبان گسترده‌ای قرار گیرد و به فصل‌های بعدی برسد.

به گزارش جام جم، فصل هشتم آن که از ابتدای محرم پخش شده بود، امشب ۱۰ مهر با پخش قسمت فینال و معرفی برگزیدگان به کار خود پایان می‌دهد. فصل هشتم مسابقه هوش برتر با اجرای افشین زی‌نوری و تهیه‌کنندگی پیمان پورمقیمی هر شب ساعت ۲۳ روی آنتن شبکه نسیم می‌رود. این مسابقه بر پایه هوش، قدرت ذهن، حافظه، سرعت عمل و هوش عملی افسراد است. سری اول این مسابقه در نوروز ۱۳۹۵ و با اجرای امیرحسین مدرس از شبکه نسیم پخش شد و اجرای فصل‌های بعدی را افشین زی‌نوری برعهده گرفت. امشب در مسابقه هوش برتر چهار نفر که در شب‌های گذشته انتخاب شده‌اند، در مرحله فینال که امشب ۱۰ مهر برگزار می‌شود با یکدیگر به رقابت می‌پردازند و طی آن نفرات اول تا چهارم این سری از مسابقه مشخص خواهند شد. فصل هشتم از مسابقه هوش برتر در ۳۱ قسمت به تولید رسید، در این فصل ۷۰۰۰ نفر متقاضی حضور در مسابقه بودند که از میان آنها ۶۴ نفر انتخاب شدند و در برنامه شرکت کردند.

یادداشت

کم فروشی، ممنوع!

ادامه از صفحه ۵

باید نویسندگان تشویق و ترغیب شوند به نوشتن کارهای اجتماعی خوب؛ کارهایی که مردم با آن خاطره دارند و همچنین کارهایی که در زندگی روزمره با آن مواجه هستند. باید در سریال‌ها عشق و دوستی و آرامش باشد و سناریوها بر پایه اصول اساسی داستان پردازی نگاشته شود. مردم ما با پخش سریال‌های خوب، از شبکه‌های ماهواره‌ای فاصله می‌گیرند و این فاصله باعث می‌شود دیدن شبکه‌های ماهواره‌ای کم شود و به تلویزیون خودمان ملحق شوند.

مانمی‌توانیم به مردم ایراد بگیریم چرا سراغ رسانه‌های دیگر می‌روند، زیرا مردم کار خوب را دوست دارند و قدرت تشخیص یک کار خوب را نسبت به یک کار بد دارند. ایراد از تولیدکنندگان است که کم‌فروشی می‌کنند و به هیچ وجه مردم مقصر نیستند.

ما باید سریال و فیلم‌هایی بسازیم یا بازی کنیم که بتوانیم از آنها دفاع کنیم، نه این‌که از پاس‌گویی پیرامون کیفیت سریال فرار کنیم. با تولید سریال‌های بد، مخاطب بیشتر از تلویزیون فاصله گرفته و متأسفانه به سمت شبکه‌های ماهواره گرایش پیدا می‌کنند و این گرایش ممکن است به عادت تبدیل شود و این موضوع برای ما بسیار بد خواهد بود.

این مردم هستند که ما را به اینجا رساندند و ما باید به آنها احترام بگذاریم. اکنون سطح فکری مخاطبان بالا رفته و احترام به مخاطب واجب است. ما باید مردم را وادار به فکر کردن کنیم، یعنی سریال که تمام می‌شود، چند روزی در همان دنیای سریال باشند و در مورد آن سریال فکر کنند. این روزها چند سریال این گونه روی آنتن داریم؟

«قصر شیرین»، نه «کاخ رویاها»!

فیلم «قصر شیرین» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی رضا میرکریمی چندی پیش موفق به کسب جایزه بهترین کارگردانی و بهترین فیلم از نگاه منتقدان در جشنواره فیلم‌های هنری باتومی گرجستان شد اما رادیو پیام در اعلام این خبر گفت: «جایزه بهترین کارگردانی جشنواره فیلم بین‌المللی باتومی گرجستان به



فیلم «قصر شیرین» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی رضا میرکریمی چندی پیش موفق به کسب جایزه بهترین کارگردانی و بهترین فیلم از نگاه منتقدان در جشنواره فیلم‌های هنری باتومی گرجستان شد اما رادیو پیام در اعلام این خبر گفت: «جایزه بهترین کارگردانی جشنواره فیلم بین‌المللی باتومی گرجستان به

گفت‌وگو با عباس قانع که فوتبال را متفاوت گزارش می‌کند

می‌خواهم فینال جام جهانی را گزارش کنم!

فوتبالیست خوبی نمی‌شدم



از بچگی فوتبال را دوست داشتم، اما فوتبالیست خوبی نمی‌شدم چون قوای جسمانی کافی و امکانات لازم را به خاطر محل تولد و زندگی‌ام که ۳۰ کیلومتری یزد بود، نداشتم. در ذهنم تورنمنت تشکیل می‌دادم و گزارش می‌کردم. این بازی‌ها باعث شد بیانم بهتر شود. گزارش‌های فوتبال تلویزیون را می‌دیدم و ادای گزارشگران را درمی‌آوردم و این استعداد کم‌کم در من بارور شد. در زنگ ورزش، فوتبال بازی می‌کردیم و من در صحنه‌هایی که صاحب توپ می‌شدم با خودم حرف می‌زدم. دوستانم می‌دیدند و تشویق می‌کردند که به سمت گزارشگری بروم. شروع به تحقیق کردم تا ببینم از چه طریقی می‌توانم وارد این حرفه بشوم.

ادای عادل را درنیاور!

آدم برون‌گرایی هستم و همین کمک می‌کرد که گزارش‌هایم از همان ابتدا متفاوت و پرهیجان باشد. آرام نبودم، هیجان داشتم و این را در گزارش‌هایم تزریق می‌کردم. سوم دبیرستان بودم که شهید قندی یزد به لیگ برتر آمد؛ دوستان تشویقم کردند که تو می‌توانی رقابت‌های این تیم را گزارش کنی. یک ماه مانده به لیگ، اسکندر کوتی به یزد آمد تا دوره‌هایی را برگزار کند. یک سرهم به باشگاه خیرنگاران جوان که من در آن دوره گویندگی می‌دیدم د و هر کس هر هنری داشت، مقابلش اجرا کرد.

من گزارش می‌کردم که وسطش گفتم: صبر کن صبر کن؛ چرا ادای فردوسی‌پورا را درمی‌آوری؟ کسی فردوسی‌پورا را بخواد می‌آورد و دیگر نیازی به کار تو نیست. آن موقع به من برخورد، اما درود به شرفش، مرد بسیار خوبی است و همین حرفش یکی از نقطه عطف‌های زندگی من بود. به خودم گفتم عباس قانع! اگر می‌خواهی موفق شوی، سعی کن خودت باشی.

مس کرمان یا بارقه امید

صبح تا شب به این فکر می‌کردم که درجا تنزم، نود یک آیتم داشت که مسابقات لیگ یک را نشان می‌داد، در آن آیت‌ها دیدم که مس کرمان مدعی بال‌آمدن است. خانواده خواهرم در کرمان سکونت داشتند و این بارقه امید در من ایجاد شد که به کرمان بروم و از آنجا مسابقات مس کرمان را گزارش کنم. بهمن ۸۴ با صداوسیما کرمان تماس گرفتم و گفتند نمونه کار بیاور. بعد از چند ماه از من خواستند که چند دقیقه‌ای از بازی مس کرمان با شهرداری لنگرود را به صورت ضبطی گزارش کنم. شبکه کرمان خلاصه بازی را پخش می‌کرد و چون مس در آن دقایقی که من گزارش کرده بودم، گل زده بود، لاجرم صدایم از سیمای کرمان پخش شد.

پدر سردار آزمون، القای والیبال را یادم داد

تیم والیبال گل‌گهر سیرجان در لیگ برتر مسابقه داشت. خلیل آزمون سرمربی تیم بود؛ زمین والیبال را روی کاغذ کشید و همه چیز را در مورد این ورزش برایم توضیح داد و توانستم آن را برای رادیو گزارش کنم. در همین روزها با برنامه توپ و تنور ارتباط برقرار کردم و گفتیم من گزارش‌گرم و در سالن والیبال حضور دارم. می‌توانم درباره بازی‌های والیبالی که برگزار می‌شود، برایتان بگویم. برنامه تماس گرفت و من به صورت توصیفی مسابقه و حال و هوای سالن را شرح دادم و بهزاد کاویانی به خاطر سن کم و گزارش خوبی که دادم، تشویقم کرد.

شروع با شبکه ورزش

در شبکه ورزش والیبال گزارش می‌کردم. هنوز بسیاری می‌گویند ما والیبال را به خاطر نوع خاص گزارش تو، تماشا می‌کردیم. اما آن موقع می‌خواستم به عشقم یعنی گزارشگری فوتبال برسم. گفتند شش ماه والیبال گزارش نکن تا بتوانی در شبکه ورزش وارد گزارش فوتبال شوی. شش ماه که چه عرض کنم، دو سه سال والیبال گزارش نکردم، اما نخواستند از من استفاده‌کنند! من هم قیدش را زدم.

سنت شکنم

در فضای تلویزیون این نوع گزارشگری نبوده است و من در حال سنت شکنی هستم. مسلما سریع نمی‌توان در تلویزیون آنچه به صورت سنت در این حرفه جا افتاده را شکست چون در این صورت یک‌شبه محو می‌شوم، اما گفتن توصیف نه خط قرمز است و نه به کنسی برمی‌خورد؛ مثلا وقتی توپ به دروازه می‌خورد می‌گویم «بومب» مثل بمب است و همین به گزارش هیجان می‌دهد. این در حالی است که ما ۲۰ سال روی خط «توی دروازه» حرکت کردیم و تنها تفاوت‌مان این بوده که یک‌سری اطلاعات که می‌شود راحت از گوگل سرچ کرد را در مورد خانواده و... بازیکنان به مخاطب گفتیم. ادعای عباس قانع این است که می‌گوید هنر جذاب کردن یک گزارش بی‌روح را دارم. کسی که بتواند تفسیر روی بازی بگذارد مسابقه را جذاب می‌کند. این که می‌گویند فلان بازی جذاب بود و هیجان داشت، به گزارشگر هم بستگی دارد.

فیلم کاخ رویاها ساخته رضا میرکریمی، کارگردان ایرانی اهدا شد. ظاهرا قضیه از این قرار است که رایدنی فرهنگی ایران در گرجستان، این خبر را از زبان گرجی به فارسی برگردانده و در زبان گرجی نام فیلم به کاخ رویاها ترجمه شده و رادیو پیام هم بدون دقت به نام اصلی این فیلم که همچنان روی پرده

گزارشگری به عشق فوتبال

حس جاه‌طلبی در من بود و این حس باعث می‌شد دلم بخواهد فوتبالیست بشوم تا همه با انگشت نشانم بدهند. اما وقتی فوتبالیست نشدم این جاه‌طلبی من را سمتی کشاند که کار خاصی کنم تا مورد اقبال قرار بگیرم. گزارشگری برای من که به دلیل نبود امکانات نتوانستم فوتبالیست بشوم، دریچه‌ای به سمت عشقم، فوتبال بود. خیلی زود به این حرفه وابسته و قانع شدم مسیری که انتخاب کردم درست است.

هر چه سخت‌تر، انگیزه بیشتر

حدود ۱۳ سال پیش بود که به صداوسیما یزد رفتم و به آنها گفتم که می‌توانم مسابقات فوتبال تیم یزد را گزارش کنم. من را جدی نگرفتند و گفتند نمونه کار بیاور. تلویزیونمان سیاه و سفید بود؛ به خانه مادر بزرگم که تلویزیون رنگی داشتند رفتم. در یک اتاق در بسته نشستم و یک نیمه از بازی را گزارش و صدایم را ضبط کردم. با انگیزه بسیار، نوار صدایم را به صداوسیما یزد تحویل دادم، اما هیچ‌کس هیچ وقت آن نوار را نشنید. فوتبال‌های شهید قندی یزد برگزار شد و من نتوانستم این رقابت‌ها را گزارش کنم اما من آدمی هستم که اگر پا روی دمم بگذارند، بیشتر تلاش می‌کنم تا حقم را بگیرم. هر وقت عرصه را برایم تنگ‌تر کرده‌اند، سعی کردم بیشتر دنبال آنچه می‌خواهم بدم. این اتفاق امروز هم می‌افتد.

بعد از گزارش، گریه کردم



تیم مس به لیگ برتر رفت. من هم به کرمان رفتم و بالاخره صدای کرمان من را پذیرفت. مس در لیگ به استقلال خورد و من با کلی تلاش توانستم در ۱۷ سالگی از طریق رادیو سراسری ورزش، گزارشگر این بازی در

کرمان شوم. بعد از بازی از شدت شوق تمام مسیر تا خانه خواهرم را گریه کردم. در آن سال، ورزش سیرجان خیلی خوب عمل می‌کرد و من که به رادیو ورزش پل زده بودم، توانستم رقابت‌های چند ورزش دیگر مثل بسکتبال، والیبال و کشتی را هم برایشان گزارش کنم.

می‌خوام برم تلویزیون

مسیر دشواری آمدم. مدتی را در مرکز خلیج فارس و مدتی را برای صداوسیما تبریز گزارش کردم. گزارشگر ورزش‌های دیگر هم بودم، اما همیشه عشق اول و آخرم فوتبال بود. متأسفانه کسی نبود که من را زود به تهران وصل کند و برای همین مدام از طریق صداوسیما مراکز استان‌ها تلاش می‌کردم شنیده شوم. هر چه زور می‌زدم، آن اتفاقی که باید نمی‌افتاد. بالاخره ریسک کردم و سه سال پیش به تهران آمدم و در اتاقکی در یک مسجد ساکن شدم.

پژمان راهبر به گردنم حق دارد

در یزد، فوتبال ساحلی گزارش می‌کردم، کلیپ‌هایش بین مردم چرخید و محبوب شد. در کنارش در شبکه شما برای والیبال اجرا داشتم. گزارشگری فوتبال هم برایم به یکسری گزارش لیگ یک در شبکه شما ختم می‌شد. پژمان راهبر و دکتر شاملو حق بزرگی به گردنم دارند. آقای راهبر تلفنم را گیر آورد و برای همکاری تماس گرفت. من را به سایت ورزش ۳ و نرم‌افزار آنتن برد و زیر پرچم بال‌م را گرفت و توانستم وارد میدان شوم. اوضاع بهتر شد و توانستم دو سال پیش ازدواج کنم. خانواده همسر هم اهل ورزش هستند و او در مقطع کارشناسی تربیت بدنی تحصیل می‌کند. بالاخره به شبکه سه آمدم و در این زمینه باید از مدیران شبکه سه آقایان فروغی، فضلعلی و ذکایی که به من اعتماد کردند، تشکر کنم.

سینماست، از روی خبر ترجمه شده، خوانده است!

قصر شیرین به نویسندگی محسن قرایی و محمد داودی ساخته سال ۱۳۹۷ است. در این فیلم حامد بهداد، ژیلّا شاهی، یونا تدین، نیوشا علیپور و... بازی کرده‌اند.

ایرانیزه کردن عربی

عباس قانع برای شناخته شدن ادا درنیاورد. عباس قانع گزارشگری پرهیجانی دارد که دیده شد. من همیشه کار گزارشگران عربی را نگاه و در گزارش فوتبال ساحلی، آنها را خرج می‌کردم. «رابین هود کویر»، «خدای من چشم‌ام نمی‌بینه زمین این بازی را»، «زمین دهن باز کرد از قدرت این بازیکن» و... از اصطلاحاتی بود که در گزارش این بازی‌ها استفاده کردم و حسابی گل کرد. گزارش‌های توصیفی عربی را دوست داشتم و به ترجمه‌هایشان دقت می‌کردم. دقت می‌کردم عصام شوالی و رتوف خلیف در گزارش‌هایشان چه می‌گویند. سیک هیچان دادن گزارشگران شاخص عرب و آمریکای جنوبی خوراک من در فوتبال است. آن «وای وای» گفتن‌های من از همین‌ها نشأت می‌گیرد و یک جورهایی ایرانیزه کردن سبکی از گزارشگری است که می‌پسندم. یادم است مزدک میزبانی می‌گفت کار ما به گزارشگران انگلیسی شباهت دارد و می‌گفت گزارشگران عربی در این کار بد هستند، اما من مخالفم و گزارش عرب‌ها و آمریکای جنوبی‌ها را بیشتر می‌پسندم.

آهای عالیجناب عشق...

قطعا شروع را هم با الگوبرداری از گزارشگران ایرانی بود اما از همان جا خواستم شبیه کسی نباشم. برگ برنده‌ام این است که از دل مشقات و توستی خوردن‌ها، خواستم خودم باشم. نه شنیدن زیاد، من را عوض کرد، شکست و از نو ساخت. آنچه دوست داشتم را ایرانیزه کردم و امروز کسی مثل من گزارش نمی‌کند، اما می‌دانم که کم‌کم دیگران هم به این سمت می‌آیند. این پاور از خودشیفتگی نمی‌آید، بلکه به خاطر این است که فوتبال دنیا دارد به این سمت می‌رود. ده گزارش ایرانی را کانرا هم بگذاری می‌بینی زیباترین گل‌ها هم مثل یکدیگر گزارش شدند. من آمدم و در یک سال اخیر در فضای مجازی و تلویزیون بیش از ۲۰۰ عبارت و جمله جدید به این فضا وارد کردم. جملاتی که بود اما کسی از آنها برای فوتبال استفاده نمی‌کرد؛ مثلا چند وقت پیش در برنامه‌ای در فضای مجازی گفتم از مادر زاییده نشده است کسی که رونالدو را مهار کند یا از ترانه‌های عالیجناب عشق استفاده کردم که در فضای مجازی دیده شد. به طور کلی خیلی آزمون و خطا داشتم تا فهمیدم بعضی حرف‌ها خوب نبود یا جایی روی آنتن نداشت. به همین خاطر منتقد زیاد دارم.

الگویی به اسم جواد خیابانی

کاری که همه از آن تعریف کنند یا بد بگویند یک چالش می‌لنگد. شما باید موافق و مخالف داشته باشی. خیلی‌ها می‌گویند جواد خیابانی خوب است و بسیاری از کار او خوش‌شان نمی‌آید. عادل فردوسی‌پور و... هم همین‌گونه هستند. این سلیقه‌ای است. من هیچانی که جواد خیابانی در حین گزارش دارد را می‌پسندم. برایم الگوست و خیلی جاها از من حمایت کرده است.

ته آرزوی من

در نهایت جاودانگی در این حرفه را دوست دارم اما به طور مشخص آرزوی کاری‌ام این است که فینال جام جهانی را از ورزشگاهی که مسابقه در آن در حال برگزاری است، گزارش کنم. مسیر سختی است، اما دلم روشن است.

اشتباه «آقای گزارشگر»



اشتباه‌ام این بود که بعد از هشت سال کار در برنامه آقای گزارشگر شرکت کردم. در آن برنامه از نظر گزارشگری بیشترین امتیاز را گرفتم، اما به خاطر اطلاعاتی که نداشتم حذف شدم. نباید می‌رفتم چون شرکت در این برنامه من را عقب انداخت. متأسفانه بعضی‌ها فکر کردند من با آقای گزارشگر وارد کار شدم.

شرکت پالایش نفت بندر عباس
(سهام عام)

آکهی مناقصه عمومی
با اخذ سپرده

نوبت دوم

درخواست شماره: RHP-7302505475-T25

موضوع آکهی:

خرید قطعات یدکی پمپ

و مکانیکال سیل با برند AKAY

برای کسب اطلاعات بیشتر به سایت این شرکت

www.BAORCO.IR **مراجعه نمایید.**

روابط عمومی